

# نقد و معرفی کتاب

سخت‌نوی در باره

## الاخبار الدخيلة

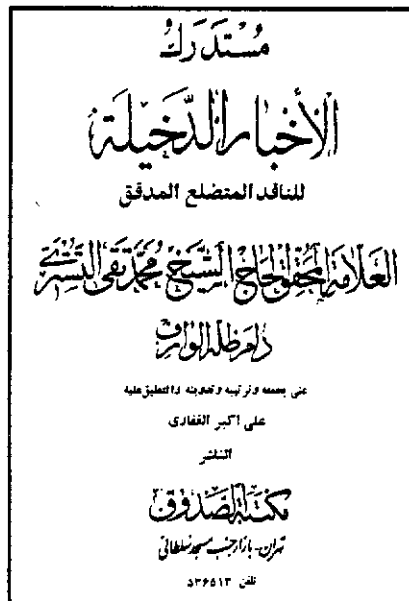
### علامه (محقق) شوشتری

رضا استادی

#### لزوم ترتیب و تهذیب اخبار دخيله محقق شوشتری - رحمة الله عليه \*

معارف اسلام را بی شک باید از قرآن کریم و سنت رسول خدا و ائمه هدی - صلوات الله عليهم - استفاده و استنباط و استخراج کرد. در این راستا ارزش سنت یعنی گفتار، کردار، تقریر و تأیید معصومان - عليهم السلام - همسنگ با قرآن مجید است؛ زیرا هر دو ریشه در وحی الهی دارند و از این جهت با هم تفاوتی ندارند. برای اثبات این مدعا - گرچه به خاطر وضوح نیاز به استدلال ندارد - دلیلهای فراوانی می توان ارائه داد که از همه بهتر، محکمتر و گویاتر حدیث مبارک «ثقلین» است که صدور آن از رسول خدا (ص) به خاطر کثرت طرق و سندهای فراوان مورد قبول همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است. قال رسول الله - صلى الله عليه وآله - : انى تارك فيكم الثقلين : كتاب الله

\* این بحث برای سخنرانی در سمینار بزرگداشت مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدتقی شوشتری که در زمان حیات ایشان در شوشتر برگزار گردید در نظر گرفته شده بود اما توفیق شرکت در آن محفل گرامی حاصل نشد. استادی



الاخبار الدخيلة علامه، العلامة المحقق الحاج الشيخ محمدتقی الشُّسْتَرى، تهران، مكتبة الصدوق.

قبیل موافق قرآن بودن و مخالف قرآن نبودن بیان کنند.

۱- علی علیه السلام: قد کذب علی رسول الله - صلی الله علیه وآله - علی عهده حتی قام خطیباً فقال ایها الناس قد کثرت علی الکذابة فمن کذب علی متعمداً فلیتوبوا مقعده من النار. ثم کذب علی من بعده ... ۴

در دوران رسول خدا (ص) مطالبی به دروغ به او نسبت دادند به حدّی که حضرت لازم دید به مردم هشدار دهد و فرمود: ای مردم افرادی که مطالبی را به دروغ به من نسبت می دهند فراوان شده اند. هر کس عمداً مطلبی را به دروغ به من نسبت دهد، جایگاه خود را در آتش جهنم آماده می سازد. سپس علی (ع) فرموده است پس از رحلت رسول خدا (ص) نیز مطالبی به دروغ به آن حضرت نسبت دادند.

۲- امام صادق علیه السلام: ما اکثر ما یکذب الناس علی علی علیه السلام... ۵  
چه بسیار است مطالبی که مردم به دروغ به علی (ع) نسبت می دهند.

۳- امام باقر علیه السلام: وجد الکذّابون لکذبهم موضعاً یتقرّبون الی اولیائهم وقضاتهم وعمالهم فی کل بلدة. یحدّثون عدوتنا وولاتهم الماضین بالاحادیث الکاذبة الباطلة، ویحدّثون ویروون عنا مالهم نقل تهجیئاً منهم لنا وکذباً منهم علینا و تقریباً الی وولاتهم وقضاتهم بالزور والکذب... وکان عظم ذلك وکثرته فی زمن معاویة بعد موت الحسن... ۶

در این روایت دو مطلب بیان شده: اول اینکه انگیزه برخی از جااعلان حدیث تقرّب به حاکمان و نان را به نرخ روز خوردن و از این راه سوءاستفاده کردن بوده است. دوم اینکه بازار حدیث سازی در زمان معاویه پس از شهادت امام مجتبی - علیه السلام - رواج داشته است.

۴- امام صادق (ع): کان المغیره بن سعید تتعمد الکذب علی ابی ویأخذ کتب اصحابه وکان اصحابه المستترون باصحاب ابی یاخذون الکتب من اصحاب ابی فیدفعونها الی مغیره فکان یدس

۱. به رساله حدیث الثقلین تالیف حاج شیخ قوام الدین وشنوی چاپ مصر و ترجمه آن: دو گوهر گرانها، و نیز مقدمه وصیت نامه الهی سیاسی امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - رجوع کنید.

۲. البته تحریف معنوی (یعنی آیه ای را از معنی واقعی آن تحریف کردن) در قرآن واقع شده و می شود و مقصود از بخشی از روایات دال بر تحریف قرآن، همین تحریف معنوی است فلا تغفل.

۳. سوره حجر، آیه ۹.

۴. بحار الانوار ۲/۲۲۹ به نقل از تحف العقول وخصال و نهج البلاغه.

۵. بحار ۳۹/۳۱۶ به نقل از کافی ۲/۲۱۹.

۶. بحار ۲/۲۱۸ به نقل از کتاب سلیم بن قیس.

وعترتی - اهل بیته - ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا ابداً وانهما لن یفترقا...

ملاحظه می کنید که تمسک به عترت و اهل بیت رسول خدا (ص) کنار تمسک به قرآن کریم و در ردیف آن قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

\*

تفاوت بسیار مهمی که بین قرآن و روایات منسوب به معصومان - علیهم السلام - وجود دارد این است که صدور قرآن از مصدر وحی و عدم تحریف آن جای تردید نیست، اما صدور، عدم تحریف و تصحیف هر روایت - جز در احادیث متواتره و قطعی - نیاز به اثبات دارد.

باید توجه داشته باشیم که وقوع تحریف، تصحیف و جعل، در مطالب منسوب به انبیا و امامان و اولیای خدا، چه عمدی، چه سهوی، مطلبی بسیار طبیعی است، زیرا عوامل آن همیشه کم یا زیاد موجود بوده و هست یکی از عوامل، مبتلا بودن افراد غیر معصوم به سهو و نسیان است. انسانها هر چند امین و راستگو باشند، احیاناً در نقل مطالب دیگران گرفتار اشتباه و سهو می شوند عامل دیگر سوءاستفاده افراد غیر متقی و یا غیر مؤمن است که گاهی موجب می شود مطلب یا مطالبی را به دروغ به خدای تعالی و رسول او و امامان (ع) نسبت دهند. در این میان تنها قرآن کریم مستثنی است که خدای حکیم حفظ آن را از هر گونه تحریف<sup>۲</sup> و تصحیف و جعل به عهده گرفته و فرموده: انا نحن نزلنا الذکر وانا له لحافظون<sup>۳</sup> و اگر نبود حفظ الهی، قرآن نیز طبیعتاً باید مانند بخشی از روایات دستخوش حوادث قرار می گرفت.

علاوه بر اینکه پس از درگذشت هر پیامبر و امامی و سپری شدن دوران او ممکن است مطالبی به دروغ به او نسبت داده شود، این امکان نیز وجود دارد که در دوران حیات و حضور او نیز این خیانت و جنایت انجام گیرد و متأسفانه در مورد پیامبر اسلام (ص) و جانشینان معصوم او این گونه بوده است؛ یعنی از زمان خود آنها و در دوران حضورشان دروغ پردازانی پیدا شدند که به جعل احادیث و یا تحریف آن پرداختند و این موجب گشت که از طرف رسول خدا (ص) و ائمه هدی - علیهم السلام - هشدارهایی داده شود و مسلمانان را به این خطر بزرگ توجه دهند و برای صحت مطالب منسوب به ایشان معیارهایی را از

آری دوستی دنیا و علاقه به ریاست می تواند موجب هر خیانتی از جمله جعل حدیث شود.

۱۳- امام رضا(ع): ان مخالفینا وضعوا اخباراً فی فضائلنا وجعلوها علی اقسام ثلاثة: احدها الغلو، وثانيها التقصير فی امرنا، والثالث التصريح بمثالب اعدائنا. فاذا سمع الناس الغلو فینا كفروا شیعتنا ونسبوهم الی القول بربوبیتنا، واذا سمعوا التقصير اعتقدوه فینا، واذا سمعوا مثالب اعدائنا باسمائهم ثلبونا باسمائنا. ۱۶

از این روایت برمی آید انگیزه گروهی از مخالفان شیعه از جعل حدیث، ایجاد اختلاف و شکاف میان فرق مسلمین و منحرف ساختن مردم از مکتب اهل بیت بوده است.

۱۴- امام علی(ع) در این زمینه فرموده است: جز این نیست که حدیث را چهار کس برای تو می آورد که پنجمی ندارد:

اول کسی است که منافق است و بر رسول خدا(ص) از روی عمد دروغ می بندد. پس اگر مردم بدانند او منافق و دروغگوست، حدیث او را قبول نمی کنند ولی مردم می گویند او از اصحاب رسول خداست، از او شنیده و اخذ کرده پس حدیث او را می پذیرند.

دوم کسی است که حدیث را از رسول خدا(ص) شنیده است اما درست حفظ نکرده و از این رو سهواً-نه عمداً- چیزی را که رسول خدا(ص) فرموده به او نسبت می دهد.

سوم کسی است که مطلبی را از رسول خدا(ص) شنیده اما از منسوخ شدن آن بی خبر است و از این رو باز همان مطلب را به آن حضرت نسبت می دهد.

چهارم کسی است که نه عمداً دروغ گفته و نه سهواً. ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه را می شناسد پس حدیث را درست و بی کم و زیاد و اشتباه نقل می کند... ۱۷

و رواج جعل حدیث موجب شد که رسول خدا و امامان علیهم السلام برای قبول حدیث معیارهایی قرار دهند تا از این راه

فیها الکفر والزندقه ویسندها الی ابی ثم یدفعها الی اصحابه فیامرهم ان یتوھا فی الشیعة فکل ماکان عن کتب اصحاب ابی من الغلو فذاک مما دسه المغیره بن سعید فی کتبهم<sup>۷</sup>

از این روایت استفاده می شود که مغیره با نقشه و توطئه روایاتی شامل غلو درباره اهل بیت(ع) را به کتابچه های حدیثی برخی از اصحاب امام باقر(ع) می افزوده است.

۵- امام صادق(ع): ان المغیره بن سعید کذب علی ابی... وان ابا الخطاب کذب علی...<sup>۸</sup>

۶- امام کاظم(ع): ان بنائاً کذب علی علی بن الحسین... وان المغیره بن سعید کذب علی ابی جعفر... وان ابا الخطاب کذب علی ابی...<sup>۹</sup>

۷- امام کاظم(ع): لعن الله محمد بن بشیر واذاقه حر الحدید انه یکذب علی...<sup>۱۰</sup>

۸- امام صادق(ع): کان للحسن علیه السلام کذاب یکذب علیه ولم یسمه وکان للحسین علیه السلام کذاب یکذب علیه ولم یسمه... وکان المغیره بن سعید یکذب علی ابی...<sup>۱۱</sup>

۹- امام صادق(ع): انا اهل بیت صادقون لانخلوا من کذاب یکذب علینا ویسقط صدقنا بکذبه علینا عند الناس... لعنهم الله انا لانخلو من کذاب او عاجز الرأی...<sup>۱۲</sup>

۱۰- علی بن موسی الرضا(ع): کان بنان یکذب علی علی بن الحسین... والذی یکذب علی محمد بن فرات<sup>۱۳</sup>

۱۱- علی بن موسی الرضا(ع): یا یونس اما تری الی محمد بن الفران وما یکذب علی؟ فقلت: أبعده الله... یا یونس انما قلت ذلک لتحذر عنه اصحابی...<sup>۱۴</sup>

از این روایات به روشنی برمی آید که موضوع جعل روایت و نسبت دادن آن به امامان-علیهم السلام- مورد توجه ائمه اطهار قرار گرفته و علاوه بر هشدار دادن، برخی از اشخاصی را که به این کار دست می زدند نیز معرفی کرده اند.

در برخی روایات قسمتی از انگیزه های جعل حدیث نیز بیان شده است:

۱۲- امام صادق(ع): ان الناس اولعوا بالکذب علینا ان (کأن ظ) الله افترض علیهم لایرید منهم غیره. وانی احدث احدهم بالحديث فلا یخرج من عندی حتی یتأوله علی غیر تأویله وذلک انهم لایطلبون بحديثنا وحببنا ما عند الله وانما یطلبون الدنیا، وکل یحب ان یدعی رأسا...<sup>۱۵</sup>

۷. بحار الانوار ۷۵/۲۹۰ (پاورقی).

۸. بحار ۷۵/۲۹۰ به نقل از تحف العقول.

۹. بحار ۲۵/۳۱۴ به نقل از رجال کشی.

۱۰. بحار ۲۵/۳۱۴ به نقل از رجال کشی.

۱۱. رجال کشی، ص ۲۲۶ چاپ مشهد.

۱۲. بحار ۲/۲۱۷ به نقل از رجال کشی ص ۳۰۵.

۱۳. رجال کشی، ص ۳۰۲.

۱۴. رجال کشی، ص ۵۵۵.

۱۵. بحار ۲/۳۴۶ به نقل از رجال کشی.

۱۶. مستدرک سفینه البحار ۸/۲۱۹ به نقل از عیون اخبار الرضا.

۱۷. شرح نهج البلاغه خونی، ۱۴/۶۲.

روایتی است. معاویه گفت می گوید از رسول خدا (ص) شنیده است که به علی (ع) فرموده: انت مع الحق والحق معک. ام سلمه فرمود: درست می گوید رسول خدا (ص) این حدیث را در خانه من فرمود... ۲۲

\*

از بیست روایت یادشده و نیز دهها روایت دیگر که از ذکر آنها صرف نظر شد به این نتیجه می رسیم که جعل خبر و دروغ بستن به رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) محقق شده و خود آن بزرگواران علاوه بر آنکه مسلمانان را به اصل مطلب توجه داده اند، برای طرد خبرهای جعلی راه حلهایی هم ارائه فرموده اند

در کتابهای علم درایة الحدیث هم یکی از اقسام حدیث، حدیث موضوع معرفی شده و درباره آن به گونه ای مفصل بحث شده است.

ابن صلاح (متوفای ۶۴۳) در رساله معروف به «مقدمه ابن صلاح» گوید:

موضوع بودن حدیث از چند راه اثبات می شود:

۱- اقرار واضح آن ۲۳.

۲- از قرینه حال راوی و مروی عنه آن.

۳- رکاکت الفاظ و معانی نیز احیاناً گواهی به موضوع بودن حدیث می دهد.

سپس می گوید: واضعان حدیث چند قسم هستند. گروهی که از همه آنها زیانبارترند گروهی هستند که به زهد و تقوی معروفند. اینان به خیال خود به عنوان خدمت به دین حدیث جعل می کنند و مردم نیز به خاطر اطمینانی که به آنها دارند این احادیث را می پذیرند. گفته شده که برخی از فرقه کرامیه جعل حدیث را برای ترغیب و ترهیب مردم جایز می دانند.

سپس گوید: واضع حدیث گاهی کلامی از خود اختراع و به عنوان حدیث مطرح می کند، و گاهی کلام برخی از بزرگان را می گیرد و به دروغ به رسول خدا (ص) نسبت می دهد و گاهی

۱۸. ایضاح فضل بن شاذان، ص ۳۱۲.

۱۹. ایضاح، ص ۳۱۲.

۲۰. سفینة البحار ۲/۴۷۴ چاپ اول.

۲۱. بحار ۲/۲۵۰ به نقل از رجال کشی.

۲۲. بحار ۳۸/۳۳ به نقل از کشف الغمه.

۲۳. برخی گفته اند موضوع بودن حدیث به اقرار ثابت نمی شود، زیرا شاید اقرارکننده با قصد سوء به دروغ به چنین اعترافی دست بزند. به محاسن الاصطلاح، ص ۲۱۴ رجوع شود. (محاسن و مقدمه با هم چاپ شده است).

احادیث موضوعه تا حد قابل ملاحظه ای شناخته و کنار گذاشته شود:

۱۵- عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): یا ایها الناس لاتمسکوا علی بشیء یخالف القرآن فانی لا احل الا ما احل الله ولا احرم الا ما احرم الله وکیف اقول بخلافه و به هدانی الله عزوجل ۱۸.

۱۶- عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): ان الحدیث سیفسو عنی فاعرضوه علی القرآن فمالیس یوافق القرآن فلیس عنی ۱۹

۱۷- قال رسول الله (ص) فی حجة الوداع قد کثرت علی الکذابة و ستکثر، فمن کذب علی متعمداً فلیتبوأ مقعده من النار فاذا اتاکم الحدیث فاعرضوه علی کتاب الله و سنتی فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله و سنتی فلا تأخذوا به ۲۰.

۱۸- امام صادق (ع): لاتقبلوا علینا حدیثاً الا ما وافق القرآن و السنة او تجدون معه شاهداً من احادینا المتقدمة فان المغیره بن سعید لعنه الله دس فی کتب اصحاب ابی احادیث لم یحدث بها ابی... ۲۱

۱۹- قال رسول الله (ص): اذا اتاکم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله و حجة عقولکم فان وافقهما فاقبلوه و الا فاضربوه علی الجدار (تفسیر ابوالفتوح ۳/۳۹۲).

۲۰- روایت: «کثرت علی رسول الله (ص) الکذابة» آن قدر معروف شده بود که احیاناً از آن سوء استفاده هم می شده است یعنی حدیث صحیحی به بهانه این حدیث رد می شده است. به این روایت توجه کنید:

سعد به معاویه گفت از رسول خدا (ص) شنیدم که به علی (ع) فرمود: انت مع الحق والحق معک. معاویه به او گفت حتماً باید شخص دیگری را که این حدیث را شنیده معرفی کنی وگرنه (چون دروغ گفته ای) چنین و چنان خواهم کرد.

سعد به او گفت ام سلمه هم این حدیث را از رسول خدا (ص) شنیده است. معاویه با سعد به خانه ام سلمه رفتند، معاویه با ام سلمه این طور کلام را آغاز کرد: ان الکذابة قد کثرت علی رسول الله (ص) بعده فلایزال قائل یقول قال رسول الله (ص) ما لم یقل، سپس افزود سعد روایتی را نقل می کند و می گوید شما نیز آن روایت را شنیده ای. ام سلمه گفت چه

نیک مهم انجام دهند، گفته می شود: اهل خیر و کار خیر خیلی زیاد شده است.

به نظر نگارنده دروغ بستن به رسول خدا و ائمه اطهار - علیهم السلام - از آن کارهای خلاف و بسیار زیانباری است که گرچه در موارد اندکی واقع شود این تعبیر صحیح و بجاست: «کثرت علی الکذابة» نباید کسی از این قبیل تعبیرها استتاج کند که مثلاً در زمان رسول خدا (ص) هزارها دروغ به آن حضرت بسته اند که آن بزرگوار چنین فرموده است و همینطور نسبت به امامان دیگر.

اینکه در برخی نقلها وارد شده که شخصی گفته است: دهها هزار خیر جعلی در لابلاي احادیث شیعه داخل کرده است، به نظر می آید دروغ محض باشد، زیرا

اولاً این کار برای یک شخص عادتاً ممکن نیست. توضیح اینکه مطالبی که به خدا و رسول و امام نسبت داده می شود باید مربوط به دایره دین باشد و عادتاً محال است کسی بتواند دهها هزار مطلب دروغ که در ارتباط با دین باشد جعل کند.

ثانیاً مجموعه هایی حدیثی محدثان (بخصوص اصحاب ائمه - علیهم السلام) معمولاً حجم زیادی نداشته و از نمونه های آنها که در دست است بخوبی می توان فهمید که کتابها و یا اصلها چه حجمی داشته است (به اصول شانزده گانه و یا کتاب سلیم و از این قبیل که چاپ شده است مراجعه شود). روی این حساب کسی که بخواهد در این قبیل کتابها دست ببرد و مطالب بی اساسی را با آنها مخلوط کند می تواند مثلاً ده بیست حدیث یا یک قدری کمتر و بیشتر به آن اضافه کند، نه مثلاً هزار حدیث و چند هزار حدیث! بنابراین به نظر می آید تعداد احادیث موضوعه بسیار نبوده، و پس از تدوین جوامع حدیثی نیز از تعداد آنها به طور چشمگیری کاسته شده است. به همین جهت کتابهایی که موضوعش اخبار موضوعه است اگر مورد بررسی دقیق قرار گیرد و احادیث موضوعه و ضعیفه از هم جدا شود، معلوم می شود شامل روایات محدودی بیش نیست.

چون رسول خدا - صلی الله علیه و آله - و ائمه اطهار مکرر هشدار داده بودند که حدیث های جعلی نیز به ما نسبت داده شده، از این رو، هم مؤلفان جوامع حدیثی اهل تسنن و هم مؤلفان جوامع حدیثی شیعه، یکی از کارهای مهمشان این بوده که تا آنجا که تشخیص می دهند احادیث موضوعه را در جوامع

۲۴. مقدمه ابن صلاح، ۲۱۲-۲۱۵.

۲۵. الخلاصة، ص ۷۷.

۲۶. شرح البداية، ص ۱۵۵-۱۶۷.

۲۷. مقباس الهدایة، ص ۷۰، چاپ نجف.

هم تعمد در کار نیست بلکه به اشتباه مطلبی را به رسول الله (ص) نسبت می دهد.

مثلاً به نوح بن ابی مریم گفتند این روایاتی که در فضائل سوره سوره قرآن از عکره از ابن عباس نقل می کنی، مدرک و سند آن چیست؟ در پاسخ گفت:

انی رایت الناس قد اعرضوا عن القرآن واشتغلوا بفقهِ ابی حنیفة ومغازی محمد بن اسحاق فوضعت هذه الاحادیث حسبة. ۲۴

در کتاب «الخلاصة فی اصول الحدیث» تالیف طیبی (متوفای ۷۴۳) آمده: ابن اثیر در جامع الاصول گوید: یک گروه از واضعان حدیث آنها هستند که برای تقرب به ملوک و سلاطین دست به این کار زده اند و گروه دیگر آنها هستند که برای گرفتن کمک مالی از مردم، مطالب دروغی در مورد کمک به فقرا به رسول خدا (ص) نسبت می دهند. ۲۵

شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۵) در «شرح البدایه» فرماید: برخی از واضعان حدیث از زنادقه هستند مانند ابن ابی العوجاء و بنان. و نیز برخی از غلات شیعه مانند ابی الخطاب احادیثی جعل کرده اند که به اسلام زیان زده و مذهب خود را تقویت کنند. ۲۶

مرحوم مامقانی در «مقباس الهدایه» فرماید: برای شناخت روایات موضوعه راههایی یاد کرده اند از جمله اینکه روایت مخالف حکم عقل باشد به گونه ای که قابل تأویل و توجیه نباشد. ۲۷

از مطالب یادشده در کتب درایة الحدیث نیز بوضوح استفاده می شود که تحقق جعل حدیث مورد قبول همه مؤلفان این کتابهاست و همه در صدد معرفی راههایی بوده اند که با توجه به آنها بتوان موضوع بودن خبر را تشخیص داد.

\*

برخی از کارها به خاطر اهمیت فراوان و یا شدت زشتی همینکه چند نوبت واقع شود گفته می شود این کار خیلی زیاد شده است؛ مثلاً در یک شهر یک میلیون جمعیتی (دویست هزار خانه) اگر در طول یک ماه دو سه بار سرقت اتفاق بیفتد بخصوص اگر سرقت مهم باشد می گویند: دزدی در این شهر فراوان و دزد زیاد شده است. و یا اگر در همان شهر چند نفر ثروتمند اهل خیر چند کار

اخبار، تا آنجا که توانسته اند روایات مربوط به فضایل اهل بیت و امامت - ائمه اطهار - را بخصوص در جوامع معتبر خود تصفیه و در حقیقت سانسور کرده اند و به عبارت دیگر چون آن روایات را موافق مذهب خود ندیده اند، تا آنجا که توانسته اند آنها را از جوامع اولیه و صحاح معتبر خود حذف کرده اند.

\*

یکی از کارهای محدثان اهل تسنن، پس از تدوین کتابهای حدیث و تألیف جوامع حدیثی، این بوده که کتابهایی به عنوان اخبار موضوعه تألیف و روایاتی که به نظر آنها مجعول بوده است، معرفی کرده اند؛ مانند:

- ۱- الموضوعات، تألیف ابن جوزی متوفای ۵۹۷.
  - ۲- الدر الملتقط فی تبیین الغلط، تألیف حسن بن محمد صاغانی متوفای ۶۵۰.
  - ۳- الموضوعات، تألیف محمد بن طاهر مقدسی متوفای ۵۰۷.
  - ۴- المنار المنیف، تألیف ابن قیّم متوفای ۷۵۱.
  - ۵- اللئالی المصنوعة فی الاحادیث الموضوعة، تألیف جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۱.
  - ۶- الموضوعات الکبیر، تألیف ملاعلی قاری متوفای ۱۰۱۴.
  - ۷- المصنوع فی معرفة الحدیث الموضوع، تألیف ملاعلی قاری.
  - ۸- الموضوعات، تألیف ابن تیمیّه متوفای ۷۲۸.
  - ۹- تنزیه الشریعه، تألیف ابن عراق.
  - ۱۰- الفوائد المجموعه، تألیف شوکانی.
- بجز کتاب ابن تیمیّه بقیه کتابها چاپ شده، اما از چاپ شدن کتاب ابن تیمیّه اطلاعی ندارم.
- در مورد کتاب ابن جوزی، گفته شده: ذکر فیه کثیراً من الاحادیث التي لا دلیل علی کونها موضوعه ... ۳۳
- همین انتقاد به همه این کتابها و امثال آنها وارد است؛ شاهد مطلب این است که:
- ۱- در این کتابها ضعف سند و یا مرسل بودن خبر با موضوع

خود نیاورند و در این راستا موقفتیهای فراوان نیز داشته اند. اما تذکر دو مطلب در این زمینه لازم است: مطلب اول: شیعه پیش از اینکه نوبت به مؤلفان جوامع حدیثی مانند شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی برسد به این فکر افتاد که احادیث موضوعه را از کتابهای حدیث دور سازد و پس از انجام این کار توسط اصحاب ائمه - علیهم السلام - بار دیگر همین کار توسط مؤلفان جوامع حدیثی تجدید شد، یعنی احادیث شیعه از این حیث دو بار کنترل شد. انجام این کار دو مرحله ای را از روایات و مطالب ذیل و امثال آن می توان استفاده کرد:

قال یونس بن عبدالرحمان و افیت العراق فوجدت بها قطعة من اصحاب ابي جعفر عليه السلام و وجدت اصحاب ابي عبدالله عليه السلام متوافرين فسمعت منهم واخذت كتبهم فعرضتها بعد علی ابي الحسن الرضا عليه السلام فانكر منها احادیث كثيرة ان يكون من احادیث ابي عبدالله ... ۲۸

عرض عبيدالله بن علی الحلبي كتابه علی الامام الصادق عليه السلام فصححه واستحسنه ۲۹

عرض عبدالله بن سعيد بن حنان الكتاني كتابه الذي رواه عن آبائه فی الديات علی الامام الرضا عليه السلام. ۳۰

قال الشيخ الحر العاملي: قد ذكر المحدثون و علماء الرجل ان كتاب فضل بن شاذان عرض علی الاثمه عليهم السلام. ۳۱

اینکه مرحوم شیخ کلینی برای تألیف کافی، بیست سال وقت صرف کرده است یکی از کارهایش همین بوده که احادیث موضوعه را شناسایی کند تا در کتاب خود نیاورد و از این رو در آغاز کتاب کافی تعبیری دارد که دلالت بر صحت روایات منقوله در کافی می کند و همینطور مرحوم صدوق، به صحت روایات کتاب من لایحضره الفقیه گواهی داده است.

مرحوم شیخ یوسف بحرانی فرماید: این احادیث (که در جوامع حدیثی شیعه وجود دارد) بعد از زحمات فراوان و رنجهای زیادی که برای تصحیح و تنقیح آنها تحمل شده، به دست ما رسیده است. ۳۲

مطلب دوم: مؤلفان جوامع حدیثی اهل تسنن نیز هنگام تألیف کتابهای حدیث معتبر، به این فکر بوده اند که احادیث موضوعه را در تألیفات خود نیاورند. اینکه آیا در این مسیر چقدر توفیق داشته اند، نیاز به بحث گسترده تری دارد؛ اما آنچه اینجا باید یادآوری شود این است که این مؤلفان به بهانه تہذیب و تنقیح

۲۸. بحار ۲/ ۲۵۰ به نقل از رجال کشی.

۲۹. قواعد الحدیث غریفی، ص ۱۴۱.

۳۰. قواعد الحدیث، ص ۱۴۱.

۳۱. قواعد الحدیث، ص ۱۴۲.

۳۲. الحدائق ۸/ ۱.

۳۳. مقدمه ابن صلاح، ص ۲۱۲ و الخلاصه، ص ۷۷ و شرح البدایه شهید، ص ۱۶۷.

روایات موضوعه است:

وصی و موضع سَرِّ و خلیفتی فی اهلی و خیر من اخلف  
بعدی علی بن ابی طالب.

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار. ۳۷

آیا اگر کسی بخواید منصفانه سخن بگوید می تواند این ده  
روایت و امثال آنها را از اخبار مجعوله بدانند؟!  
رجوع به کتابهای مربوط به احادیث مجعوله، جای تردید  
باقی نمی گذارد که در این کتابها روایاتی که بتوان بطور جزم  
جعلی بودن آنها را تصدیق کرد، بسیار کم و محدود است.

\*

به هر حال کتابهای اهل تسنن در این زمینه نقاط ضعف آشکار  
دارد و علتش این است که مبنای قابل قبولی برای تشخیص  
احادیث موضوعه اتخاذ نکرده اند. و شاید بتوان گفت هر  
حدیثی را که نپسندیده اند یا از صحت و اصیل بودن آن  
اطلاعی نداشته و یا سند و مدرکی برای آن در دست نداشته اند،  
در این کتابها جمع آورده و نام و یا عنوان کتاب را «الموضوعات»  
قرار داده اند.

در میان علمای شیعه در طول تاریخ تشیع تا آنجا که نگارنده  
این سطور اطلاع دارد، کتابی به عنوان اخبار موضوعه نگاشته  
نشده و گویا این مطلب دو علت داشته باشد:

۱- روایات شیعه همانطور که قبلا گفته شد، دو بار کنترل  
شده است و دیگر نیازی به این کار نبوده است.

۲- علمای شیعه نمی خواسته اند سهل انگاری کرده و  
از روایاتی که احتمال مجعول بودن دارد، به عنوان مجعول  
یاد کنند. آری در برخی موارد تذکر داده اند که ممکن است  
این روایت مجعول باشد؛ برای نمونه شهید ثانی در کتاب  
«مسالک» در ذیل روایت مفصلی که در آداب آمیزش مرد و زن  
است و به عنوان وصیت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به  
علی - علیه السلام - (به عنوان یا علی یا علی) وارد شده،  
فرموده است:

از این روایت بوی جعلی بودن استشمام می شود.

علامه طباطبایی نیز در جای جای تفسیر گرانقدر المیزان  
برخی روایات را به خاطر مخالفت با قرآن و عقل مجعول دانسته  
و یا احتمال جعلی بودن آن را داده است.

\*

۳۴. الخلاصه، ص ۸۲ به نقل از الملتقط.

۳۵. المصنوع، ص ۳۴ و ۹۲ و ۱۱۶.

۳۶. الموضوعات الکبیر (ذیل آن)، ص ۲۸.

۳۷. الموضوعات الکبیر، ص ۱۳۵ و ۱۳۹.

بودن آن با هم خلط شده و بسیاری از روایات به صرف اینکه فاقد  
سند معتبری بوده، در ردیف موضوعات قرار داده شده است.

۲- همان طور که در بسیاری از موارد، محدثان عامه برخی  
روایات را تنها برای اینکه روات یا راوی آن شیعه بوده است  
ضعیف می شمارند؛ بخشی از روایات را نیز تنها به خاطر  
اینکه از طرق شیعه نقل شده، بدون هیچ دلیلی موضوع به  
شمار آورده اند.

۳- بسیاری از روایاتی که در این کتابها از اخبار موضوعه  
دانسته شده، به تصریح مؤلفان این کتابها، متن آنها موضوع  
نیست، بلکه شخص دروغگویی سند جعلی برای آن خبر صحیح  
ساخته تا خود او نیز بتواند از سلسله روات آن باشد.

۴- در این کتابها بخشی از فضایل علی و اهل بیت - علیهم  
السلام - بدون هیچ مدرکی مجعول دانسته شده است.

۵- نیز بسیاری از روایاتی که در معارف اسلام و شیعه از  
عُرَر کلام اهل بیت به حساب می آید تنها به خاطر آن که معنای  
آن را نفهمیده اند یا نخواسته اند بفهمند، از احادیث  
مجعوله شمرده اند.

اینک برای برخی از موارد پنجگانه یادشده، شواهدی یاد  
می شود:

در کتاب «الدر الملتقط» حسن بن محمد ضاغانی آمده: اینها  
از اخبار موضوعه است:

من یقن بالخلف جاد بالعطیة.

کان الموت فیها علی غیرنا کتب.

اتقوا فراسة المؤمن فانه ينظر بنور الله ...

عش ماشئت فانک میت واجب من احببت فانک مفارقه. ۳۴

در کتاب «المصنوع» ملاعلی قاری آمده که از احادیث

مجعوله است:

الانبياء قادة والفقهاء سادة ومجالستهم زیادة.

العلم علمان علم الاديان و علم الابدان.

لولاك لما خلقت الافلاك. ۳۵

در کتاب «الموضوعات» محمد بن طاهر مقدسی آمده که از

روایات مجعوله است:

استعینوا علی نجح الحوائج بکتمانها فان کل ذی نعمة

محسود فیه. ۳۶

در کتاب «الموضوعات الکبیر» ملاعلی قاری آمده که از

الدخيلة، ده روایت یاد شده که یکی از آنها این است:

قال سمعت ابا جعفر - عليه السلام - يقول: الاثنا عشر اماماً من آل محمد کلهم محدث من ولد رسول الله وولد علی بن ابی طالب. فرسول الله وعلی هما الوالدان.

در این روایت کلمه دوازده نمی تواند صحیح باشد زیرا یازده نفر از امامان، فرزند علی - علیه السلام - هستند و در روایات دیگر صحیحش اینطور آمده: علی واحد عشر من ولده. ۳۸

فصل دوم در بیان احادیثی که تاریخ، گواهی به تحریف شدن آنها می دهد. در این فصل نیز در چهار جلد الاخبار الدخيلة، ده روایت یاد شده است که یکی از آنها این است:

معلی بن خنیس قال: سألت ابا الحسن الماضي فی الرجل ینسی السجدة من صلاته ...

معلی که در زمان امام صادق کشته شده چطور می تواند بعد از شهادت موسی بن جعفر - علیهما السلام - زنده باشد و بگوید سمعت ابا الحسن الماضي. یا نام راوی تحریف شده و یا کلمه «الماضی» زاید است. ۳۹

فصل سوم در بیان احادیثی که سیاق آنها به وقوع تحریفی در آنها شهادت می دهد. در این فصل حدود دویست و هشتاد روایت در چهار جلد الاخبار الدخيلة مطرح شده است و نمونه اش این است:

علی بن الحسن قال حدثنی محمد بن الولید قال رأی صاحب المقبرة وانا عند القبر بعد ذلك - قبر یونس بن یعقوب - فقال لی من هذا الرجل صاحب القبر فان ابا الحسن علی بن موسی اوصانی به وامرنی ان ارش قبره اربعین شهراً او اربعین یوماً فی کل یوم. قال ابو الحسن: الشک منی.

سیاق روایت گواهی می دهد که جمله «قال ابو الحسن» تحریف شده جمله «قال محمد بن الولید» باشد؛ زیرا او از صاحب مقبره روایت کرده است. ۴۰\*

فصل چهارم در بیان احادیثی که به خاطر خلط برخی از جملات آن به برخی دیگر تحریف شده است. در این فصل سی و پنج روایت یاد شده که یکی از آنها این است:

کان الذین انکروا علی ابی بکر جلوسه فی الخلافة وتقدمه علی علی علیه السلام اثنی عشر من المهاجرین والانصار:

۳۸. الاخبار الدخيلة، ۴/۱.

۳۹. الاخبار الدخيلة، ۵/۴.

۴۰. الاخبار الدخيلة ۹۵/۴.

\* در تعلیقه رجال کشی آمده است: مقصود از ابو الحسن علی بن حسن بن فضال است که از محمد بن ولید روایت را نقل کرده، پس تحریفی در روایت واقع شده است.

تنها کتابی که از علمای شیعه در موضوع اخبار موضوعه سراغ داریم، کتاب گرانقدر «الاخبار الدخيلة» تالیف مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی شوشتری است که در چهار جلد به چاپ رسیده است. کسانی که تنها نام این کتاب را شنیده و به خود کتاب مراجعه نکرده باشند، شاید تصور کنند که مرحوم حاج شیخ، روایات مجعوله فراوانی در کتب حدیثی شیعه سراغ داشته و با این تالیف خواسته آن روایات را معرفی کند، اما پس از رجوع به کتاب روشن می شود (جز در موارد بسیار نادر) مؤلف در صدد مطرح کردن روایاتی بوده که از برخی جهات خالی از نقاط ضعف نیست، نه اینکه مدعی باشد روایات مجعوله را گرد آورده است و از همین جهت برخی از دانشمندان عقیده دارند نام خوبی برای این کتاب انتخاب نشده، و عنوان «الاخبار الدخيلة» را گمراه کننده دانسته اند.

به هر حال مناسب است کتاب «اخبار الدخيلة» و محتوای آن را به طور گسترده معرفی کرده و مورد ارزیابی قرار دهیم تا هم زحمت و خدمت مرحوم مؤلف در تالیف این کتاب بیشتر روشن شود و هم معلوم گردد این کتاب نیاز به ترتیب و تهذیب و تجدید چاپ دارد؛ زیرا در صورت کنونی آن، نمی تواند خوب مورد استفاده قرار گیرد.

\*

#### کتاب دارای سه باب است:

باب سوم شامل دو فصل، فصل اول شامل چهارده دعا که در آنها تحریف و تصحیف واقع شده، و فصل دوم شامل دو دعا که به عقیده مؤلف به دروغ به معصومین - علیهم السلام - نسبت داده شده است.

باب دوم نیز شامل چهار فصل، فصل اول و سوم و چهارم آن شامل حدود چهل روایت است که به عقیده مؤلف این چهل روایت از احادیث موضوعه می باشد. در فصل دوم باب دوم، کتاب تفسیر منسوب به امام حسن عسکری - علیه السلام - مورد بررسی قرار گرفته است.

باب اول شامل دوازده فصل و تمام این دوازده فصل شامل روایاتی است که در آنها تحریف واقع شده است (نه مجعولات و موضوعات). ترتیب این دوازده فصل چنین است:

فصل اول در بیان احادیثی که ضرورت مذهب شیعه گواه تحریف شدن آنهاست. در این فصل در چهار جلد الاخبار



است، مانند اینکه:

در فقیه آمده: ابن محبوب عن حماد بن زیاد عن سلیمان بن خالد؛ و در تهذیب آمده: عن حماد عن زیاد عن سلمان؛ و در استبصار آمده: حماد عن زیاد بن سلیمان.

واضح است که در این سندها تصحیف و تحریف واقع شده (البته اگر غلط چاپی و یا غلط نسخه نباشد).<sup>۴۵</sup>  
فصل هشتم در بیان روایاتی که به خاطر نقل به معنی در آنها تحریف واقع شده است. در این فصل تنها ده روایت یاد شده که یکی از آنها این است:

سئل الصادق علیه السلام عن الوقوف علی المساجد فقال: لا یجوز فان المجوس اوقفوا علی بیت النار.

صحیحش که در جای دیگر نقل شده این است: سئل الصادق علیه السلام ایوقفه علی المسجد فقال ان المجوس اوقفوا علی بیت النار.<sup>۴۶</sup>

فصل نهم در بیان روایاتی است که در آنها چیزی زیاد یا کم شده. در این فصل حدود صدونود روایت یاد شده است، نمونه زیاد شدن:

اما الصوم الحرام فصوم یوم الفطر ویوم الاضحی وثلاثة ایام من ایام التشریق...<sup>۴۷</sup>  
جمله «من ایام» زاید است و صحیح آن در کتاب فقیه آمده است.

نمونه کم شدن یک کلمه:

اصطحب المعلى بن خنيس وابن ابي يعفور في سفر فاكل احدهما ذبيحة اليهود والنصارى وأبى الآخر عن اكلها فاجتمعا عند ابي عبدالله عليه السلام فاخبراه فقال: ايكما الذى ابى؟ قال: انا قال: احسنت.

واضح است قبل از «انا» کلمه «المعلى» یا «ابن ابي يعفور» افتاده است.<sup>۴۸</sup>

فصل دهم در بیان روایاتی است که به خاطر عدم دقت در سند یا متن آنها تحریفی واقع شده است. در این فصل حدود هفتاد روایت یاد شده، مانند این روایت:

عن الصادق عليه السلام سألته عن الرجل المملوك المسلم

۴۱. الاخبار الدخيلة ۱/۲۳.

۴۲. الاخبار الدخيلة ۲/۷۴.

۴۳. الاخبار الدخيلة ۳/۱۵۷.

۴۴. الاخبار الدخيلة ۳/۱۵۶.

۴۵. الاخبار الدخيلة ۳/۱۸۲.

۴۶. الاخبار الدخيلة ۴/۲۱۳.

۴۷. الاخبار الدخيلة ۴/۲۱۶.

۴۸. الاخبار الدخيلة ۳/۲۲۴.

كان من المهاجرين خالد بن سعيد بن العاص والمقداد ابى بن كعب وعمار بن ياسر وابوذر وسلمان وعبدالله بن مسعود وبريدة الاسلمى؛ وكان من الانصار خزيمية بن ثابت ذوالشهادتين، وسهيل بن حنيف وابو ايوب الانصارى وابن التيهان.

ابى از انصار و طائفه خزرج است باید در قسمت دوم روایت درج می شد نه در بخش اول.<sup>۴۱</sup>

فصل پنجم در بیان احادیثی که به خاطر تشابه شکلی برخی کلمات در آنها تحریفی واقع شده است. در این فصل حدود دوست و شصت روایت یاد شده که یکی از آنها این است:

فى التهذيب عن عثمان بن عيسى عمّن سمعه سألته عن بيع المصاحف وشرائها قال: لا تشر كتاب الله ولكن اشتر الحديد والجلود والدفتن...

عثمان بن عيسى از روایان سماعه است و همین روایت در کافی از عثمان از سماعه نقل شده. پس «عمّن» تصحیف «عن» و «سمعه» تصحیف «سماعه» است.<sup>۴۲</sup>

فصل ششم در بیان روایاتی که به خاطر تقدیم و تأخیر یا عوض شدن کلمه ای به کلمه مقابل آن در آنها تحریفی واقع شده است در این فصل بیست و پنج روایت، یاد شده است؛ نمونه تقابلی این است:

سألت ابا عبدالله عليه السلام عن ذبيحة اليهودى فقال: حلال. قلت وان سمى المسيح؟ قال: وان سمى المسيح فانه انما يريد الله.

در این روایت کلمه «النصرانى» به کلمه مقابل آن که «اليهودى» باشد تحریف شده، زیرا مسیحی نام مسیح را هنگام ذبح ذبیحه یاد می کند نه یهودی که اصلاً حضرت مسیح را قبول ندارد.<sup>۴۳</sup>

و نمونه تقدیم و تأخیر این است:

ان علياً - عليه السلام - قال ليس بين خمس نساء وبين ازواجهن ملاعنة اليهودية تكون تحت المسلم فيقذفها والنصرانية والامة تكون (تكونان) تحت الحر فيقذفها.

صحیحش این است: اليهودية والنصرانية تكون تحت المسلم فيقذفها والامة تكون تحت الحر فيقذفها.<sup>۴۴</sup>

فصل هفتم در بیان اخباری که در سند آنها تحریف و تصحیف واقع شده. در این فصل حدود صد و هشتاد روایت نقل شده

باید به آنها نیز توجه داشت :

۱- همانطور که توضیح داده شد تنها  $\frac{1}{25}$  روایات این کتاب احادیث موضوعه است (البته آن هم به عقیده مؤلف) اما نام کتاب موجب شده که افراد بی اطلاع و کم اطلاع فریب نام کتاب را خورده و بدون رجوع به اصل کتاب خیال کنند این چهار جلد مجموعه ای است از احادیث موضوعه؛ و احیاناً از این برداشت، سوء استفاده هم بشود. حق این بود که نامی برای کتاب انتخاب شود که نشاندهنده و گویای محتوای کتاب باشد و چنین تالی فاسدی نداشته باشد.

اینکه شنیده شده که یکی از اعظام مراجع تقلید -رحمة الله علیه- به صورت انتقاد فرموده بود: چنین تألیفی در شیعه سابقه نداشت، ظاهراً مقصودشان همین بوده که در شیعه کتابی به عنوان اخبار موضوعه نداشته ایم و گرنه تحقیق و بررسی اخبار و مقایسه آنها با هم و کشف برخی از تحریفها و تصحیفها که حجم عمده کتاب «الاخبار الدخیله» را تشکیل می دهد، در شیعه سابقه طولانی دارد. کتابهایی از قبیل مرآت العقول، وافی، شرح فقیه، و از همه مهمتر منتقی الجمان شاهد این مطلب است.

۲- کتاب به صورت فعلی آن، چندان قابل استفاده نیست؛ زیرا مطالب آن جز از حیث فصل بندی واجد ترتیبی نیست. فرض کنید مشغول مطالعه یک بحث فقهی هستید و به روایتی برخورد می کنید که احتمال تحریف و تصحیف در آن می دهید، و می خواهید ببینید مرحوم تستری در «الاخبار الدخیله» در این رابطه مطلبی دارد یا نه، برای این مطلوب باید هر چهار جلد کتاب را اجمالاً مرور کنید تا معلوم شود آیا درباره حدیث مورد نظر شما مطلبی دارد یا نه. خواننده با اندکی تأمل تصدیق خواهد کرد که این بی ترتیبی کتاب یکی از نقاط ضعف مهم آن است.

۳- در بسیاری از موارد آنچه به عنوان نظر مؤلف مطرح شده، بیش از احتمال یا مظنه ای نیست، اما در تعبیر ایشان به صورت قطع و جزم بیان شده است؛ مثلاً اگر یک روایت در دو جا نقل شد و در یک نقل جمله ای توضیحی اضافه داشت، این موجب می شود احتمال دهیم جمله اضافه از کلام راوی یا مؤلف کتاب باشد که به آن افزوده شده؛ اما نمی توانیم به صورت قطع، به این مطلب حکم کنیم و همین طور شباهت دو کلمه یا دو جمله در

۴۹. الاخبار الدخیلة ۴/ ۲۹۲.

۵۰. الاخبار الدخیلة ۴/ ۲۹۸.

۵۱. الاخبار الدخیلة ۲/ ۲۴۳.

۵۲. برخی از این روایات نیز از احادیث کتابهای اهل تسنن است نه شیعه.

تجوز شهادته لغیر موالیه فقال تجوز فی الدین والشیخ الیسیر.

به شهادت روایت دیگر: «تجوز فی الامر الدون ولاتجوز فی الامر الکثیر» کلمه «الدین» تصحیف «دون» است. ۴۹

فصل یازدهم در بیان روایاتی است که به خاطر خلط کلام راوی یا مؤلف کتاب، به روایت در آنها تحریف واقع شده. در این فصل بیست و پنج روایت یاد شده که یکی از آنها این است: لاتفوت صلاة النهار حتی تغرب الشمس ولا صلاة اللیل حتی یطلع الفجر. وذلک للمضطر والعلیل والناسی.

جمله اخیر از شیخ صدوق است نه تتمه روایت به شهادت نقل همین روایت بدون این ذیل در جاهای دیگر. ۵۰

فصل دوازدهم در بیان روایاتی است که به خاطر مزج حاشیه توضیحی به آنها، در آنها تحریف واقع شده. در این فصل نیز بیست و پنج روایت یاد شده که یکی از آنها این است:

عن الصادق علیه السلام فی قول الله عزوجل: «فتحریر رقبة مؤمنة» قال یعنی مفرّة بالامامة.

کلمه «بالامامة» حاشیه اجتهادی بعض محشّین است که به روایت خلط شده، دلیلش این است که همین روایت بدون کلمه «بالامامة» در جای دیگر نقل شده است. ۵۱

نتیجه اینکه روایاتی که در چهار جلد «الاخبار الدخیله» مورد بررسی قرار گرفته، حدود هزار و دویست حدیث است که اگر حدود دویست حدیثی را که تنها از حیث سند مورد بررسی قرار گرفته نه متن، از آن کم کنیم تنها هزار حدیث می ماند. از این هزار حدیث تنها حدود چهل روایت است که مؤلف آنها را از احادیث موضوعه دانسته است. ۵۲ بنابراین بقیه را نباید از احادیث موضوعه شمرد.

\*

کتاب «الاخبار الدخیله» کتابی است گر انقدر و عظیم، شامل نکاتی سودمند و مشکل گشا که شاید نتوان در تألیفات علمای شیعه برای آن نظیری پیدا کرد؛ مگر گفته شود کارهای تحقیقی تبعی مرحوم صاحب معالم در کتاب «منتقی الجمان» از همین سنخ است. آری این کتاب محصول سالها تتبع، فکر، تأمل و حدسهای صائب مرحوم آیت الله تستری است که به این صورت عرضه شده است.

در عین حال این کتاب از حیث شکل و ترتیب و نیز از جهت محتوی و تعبیرات خالی از نقاط ضعف و جهات منفی نیست که

۶- رساله التقود اللطیفه آیت الله صافی در ذیل روایات دهگانه مربوط به امام زمان - علیه السلام - آورده شود.

۷- هر جا مطلب احتمالی یا مظنون به صورت قطع ارائه شده، در پاورقی یادآوری گردد.

۸- اشتباهاتی که احياناً برای مؤلف عالیقدر آن پیش آمده، در پاورقی تذکر داده شود.

۹- بحث مربوط به تفسیر منسوب به امام عسکری - علیه السلام - که خود رساله جداگانه محسوب می شود، و همچنین بحث مربوط به کتاب دلائل الامامه طبری در پایان کتاب و جدا از مباحث دیگر قرار گیرد.

۱۰- کتاب در دو جلد با فهرس لازم به نام «ترتیب الاخبار الدخيلة و تهذیبا» چاپ گردد.

\*

خوشبختانه با مذاکره ای که با حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای فاکر خراسانی سرپرست دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم انجام شد، ایشان موافقت کردند که این کارها زیر نظر اینجانب توسط برخی از فضایی که با آن دفتر همکاری دارند، انجام و توسط همان دفتر چاپ و نشر گردد.

امید است توفیق رفیق گشته و این کار بسیار سودمند و لازم هر چه زودتر جامه عمل بپوشد. بمنه و کرمه.

در پایان یادآوری این نکته خالی از فایده نیست: به نظر حقیر بزرگترین خدمتی که با این تألیف پراچ توسط علامه تستری به حدیث شیعه شده، این است که با تحقیق و تبیین چند ساله ایشان روشن شده که در روایات شیعه بخصوص آنچه در جوامع حدیثی معتبر شیعه آمده است، احادیث جعلی و موضوع بسیار بسیار نادر است و روایاتی هم که در اثر سهو و غفلت و امثال آنها دچار کم و زیاد و تصحیف و تحریف قرار گرفته باشد، بالنسبه به کل روایات زیاد نیست؛ چون در این کتاب حدود هزار روایت مطرح شده در حالی که مثلاً وسائل الشیعه که مورد توجه مرحوم علامه تستری بوده و در دوره فقه خود با دقت و به قصد نقد و بررسی به روایات آن مراجعه کرده شامل بیش از سی هزار روایت است، این نتیجه مثبت بسیار مهمتر از نتیجه منفی آن یعنی مخدوش شدن بخشی از روایات است.



۵۳. این رساله در مجله نور علم چاپ شده است.

شکل نوشتن، موجب می شود احتمال دهیم یکی تصحیف دیگری است؛ اما نمی توانیم ادعای قطع کنیم؛ مثلاً «عن سماعة» شبیه «عمن سمعه» می باشد و مرحوم تستری فرموده دومی تصحیف اولی است. این حدس، حدسی مقبول است اما بیش از احتمال یا مظنه نیست.

۴- در بخش اخبار موضوعه، اظهار نظرهای مؤلف در بسیاری از موارد مقبول نیست؛ مثلاً ایشان ده روایت را از روایات مربوط به کسانی که ادعا کرده اند خدمت امام زمان - علیه السلام - مشرف شده اند، نقل و همه را از اخبار موضوعه دانسته است. اما یکی از علمای بزرگ قم (آیت الله صافی گلپایگانی) رساله ای به نام «التقود اللطیفه»<sup>۵۳</sup> تألیف، و در این رساله نظرات مرحوم تستری در ساختگی بودن آن ده روایت را رد کرده است.

۵- مصادر روایات و نیز منقولات، به طور مطلوبی تعیین نشده و از این جهت نیز خواننده و رجوع کننده، دچار اشکال می شود.

\*

به منظور تجلیل و احترام از مقام علمی مرحوم آیت الله تستری، و بهره گیری بهتر از این اثر گرانبهای تحقیقی و نیز برطرف کردن نقاط ضعف و ابهام آن، انجام این کارها پیشنهاد می شود:

۱- مرحوم آیت الله تستری در کتاب «النجعه» نیز پاره ای از روایات را مطرح و مورد بررسی قرار داده اند؛ باید با مروری به سراسر آن تألیف مواردی که با ابواب و فصول «الاخبار الدخيلة» مناسب است و در الاخبار الدخيلة یاد نشده، به آن افزود.

۲- ملحقات هر فصل که در جلدهای دوم و سوم و چهارم آمده دنبال همان فصل قرار گیرد.

۳- مصادر کل احادیث و منقولات کتاب تعیین و چاپ و خصوصیات مصدر نیز یادآوری شود.

۴- روایات فقهی کتاب به ترتیب و سائل الشیعه و بقیه به ترتیب اصول کافی یا وافی مرتب و شماره مسلسل زده شود.

۵- برای اینکه پس از مرتب شدن روایات و شماره آنها معلوم باشد هر روایت مربوط به کدام باب و فصل است از «کد» استفاده شود؛ مثلاً کنار روایت اول نوشته شود: ۴/۱ یعنی از باب اول فصل چهارم و همینطور ...